

نصیحت امام(ره) + شوق خواندن – صفحه ۸۰

#تاریخ_ادبیات:

امام خمینی (ره): صفحه‌ی ۱۷۳ / محمدتقی جعفری: صفحه‌ی ۱۷۴
مولوی: صفحه‌ی ۱۷۸ کتاب درسی

#معنای_لغات:

نار: انار / صحبت: هم‌نشینی / مرادن: جوانمردان

نصیحت امام: علیه السلام: سلام بر او باد / نصیحت آمیز: همراه با پند و اندرز، پندآموز / نصیحت: پند و اندرز / اماما: ای امام / باسمه تعالی (صدای آ): به نام او که بلندمرتبه است / محبت آمیز: با محبت / قرائت کردم: خواندم / محتاج: نیازمند / نشاط: شادابی، شادمانی / خرمی: خوشحالی / وظایف: جمع وظیفه، کاری که باید انجام شود / نیکو: خوب، پسندیده / اطاعت: پیروی / خدمت: یاری / غنیمت شماری: قدر بدانید / راضی: خشنود / سعی: تلاش / تعالی (صدای ی): بالا رفتن، صعود، پیشرفت / سعادت: خوشبختی / ترقی: پیشرفت / شهر (واژه‌ی عربی): ماه‌های سال

شوق خواندن: علامه: بسیار دانشمند / کنجاو: جست و جوگر / دقیق: ریزبین / می‌کوشید: تلاش می‌کرد / گاه: بعضی وقت‌ها / دقایق: جمع دقیقه / خیره می‌شد: با دقت و تمرکز نگاه می‌کرد / درهم می‌آمیخت: مخلوط می‌شد / تلخ‌ترین خاطرات: خاطره‌های ناراحت کننده و آزار دهنده / صید: شکار / بیزاری = تنفر: دوست نداشتن / هیجان: شور و نشاط / شیفته: عاشق، دل داده / خشونت: عصبانیت / رنج می‌برد: سختی می‌کشید / گشت و گذار: تفریح و گردش / مسائل: جمع مسئله، سوال‌ها / به وجد می‌آمد: بسیار خوشحال می‌شد / موقع: هنگام / حرم: مکان زیارتی و مقدس / ضریح: قبر و محل دفن امامان و بزرگان / اخلاص: پاکی عقیده، کار فقط برای رضایت خدا / همت بلند: اراده‌ی محکم / عطا کند: هدیه بدهد، ببخشد / کسالت: ناخوشی جسمی، بیماری / شفا: سلامتی / شفا دهد: درمان کند / زیارت: دیدار / عطش: تشنگی زیاد / مشتاقانه: با اشتیاق و علاقه‌ی فراوان / به راه افتاد: حرکت کرد / حجره: اتاق کوچک / نصیب: بهره، قسمت / گلیم:قالیچه / کهنه: قدیمی / بپردازد: مشغول شود

#معنای_شعر:

معنی بیت اول فصل: همان طوری که انار رسیده و خندان، باغ را پر از خنده و شادی می‌کند، همنشینی با انسان‌های بزرگ و کامل، تو را بزرگ و ارجمند خواهد گردانید.

#آرایه_ها:

نار (= انار) خندان: تشخیص / خندان کردن باغ: تشخیص / خندان: استعاره از شکفته، رسیده
بُت: استعاره از ظلم و ستم / بُت شکن: کنایه از کسی که با ظلم مبارزه می‌کند، از بین برنده‌ی ظلم / علم و عمل: قلب (دگرگونی)
دامن طبیعت: اضافه‌ی استعاری / گوش می‌سپرد: کنایه از توجه و شنیدن دقیق / تلخ‌ترین خاطرات: حس آمیزی / برهم بزنند: کنایه از نابود کنند، از بین ببرند / سر بر ضریح گذاشت ← سر بر ضریح گذاشتن: کنایه از متوسل شدن / بیماری، کسالت، شفا: تناسب / در وجودش زنده می‌شد: کنایه از اینکه مجدد فعال می‌شد / حرم دل او را آرام می‌کرد و مدرسه اندیشه‌اش را: تشخیص / حجره‌ای که برای محمدتقی از همه‌ی دنیا بزرگتر بود: اغراق (بزرگنمایی) / کلاس، درس، استادان: تناسب

#نکات_دستوری:

صحبت مردانت ← ت = تو: مفعول / اماما = ای امام ← حرف ندا: ا؛ منادا: امام / نمازهای شبستان ترک نشده (است): حذف فعل به قرینه‌ی لفظی / سلام بر همه‌ی شماها (باد): حذف فعل به قرینه‌ی معنوی / حرم تا مدرسه راهی نبود، تنها چند قدم (بود): حذف فعل به قرینه‌ی لفظی / حرم دل او را آرام می‌کرد و مدرسه اندیشه‌اش را (آرام می‌کرد): فعل محذوف به قرینه‌ی لفظی